

دکتر خانبابا بیانی

رئیس دانشکده ادبیات تبریز و استاد تاریخ دانشگاه

کوکلوکس کلان

Ku

KLuX

KLoN

چون درهای گنجینه خداداد قاره آمریکا بروی دریانوردان و جهانگردان و طالبان مال و ثروت اروپائی گشوده شد، بتدریج گروه‌های نسبتاً بشماره کم از ملل دریانورد اروپای آنزمان مانند پرتغالیها و اسپانیاییها و بعد هلندیها و انگلیسیها و فرانسویها در گوشه و کنار قاره جدید از شمال گرفته تا جنوب از کشتیهای خود پیاده شده بمنظور جمع آوری و بدست آوردن ثروت در آن پراکنده شده‌اند. اهمیت موضوع بتدریج دولتهای اروپائی را بر آن داشت که در کار این دستجات جهانگیر و مسافر دخالت نمایند و هر یک سرزمینهای را بنفع خود تصاحب و تشکیل دولتهای مستعمراتی بدهند و در فرستادن عده بیشماری از افراد کشور خویش برای سکونت دائمی در آنجا بردیگری سبقت جویند. مدت سه قرن باین تشکیل دوام یافت تا در اوایل قرن هیجدهم اهمیت و ثروت سرشار و بیحد و حصر قاره آمریکا بخصوص قسمت شمالی آن بر اروپائیان واضح و آشکار گردید.

در این قرن سیزده دسته مهاجر از اروپا در سواحل اقیانوس اطلس در امریکای شمالی پیاده شدند که عموماً از نژاد انگلوساکسون و مذهب آنها پرتستان بود. این سیزده دسته مهاجر در یک منطقه سکونت اختیار نکردند بلکه بسه قسمت شده بدینقرار در شمال و مرکز و جنوب رحل اقامت افکندند:

چهار دسته که عموماً از پوری تنهای انگلیسی بودند در ناحیه‌ای سکنی کردند که بدان سرزمین نام «انگلیس جدید» را دادند و مردمان همین دسته

مهاجرین هستند که هنوز باخلاق و عادات و رسوم سابق خود باقی بوده و تقریباً بدون آمیزش بسربرده می‌برند.

چهار دسته دیگر در اطراف نیویورک و فیلادلفی فرود آمدند. اصل آنها از انگلیسهای اسکاتلندی و پرتستانهای ایرلندی و دهائین آلمانی‌لوتری و هلندیها بود.

آن پنج‌دسته دیگر که بجناب مناطق جنوبی سرازیر شدند عدوما از انگلیسهای ثروتمند و کشاورز انگلیکان بودند که در منطقه‌ای حاصلخیز و مساعد اساس زندگی را برجای استوار کردند. این قوم چون خود ثروتمند و از خاندانهای نجیب بودند برای کشت و کار و استفاده از زمین کارگرانی را با استخدام خویش گرفتند. طولی نکشید که کارگران مزبور کفاف احتیاجات را نکرده صاحبان زمینها ناچار متوسل بسیاهان افریقائی شده بتمداد کثیر از آنها از افریقا آورده بکار گماشتند.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که تمام دستجات مهاجر که در شمال و مرکز و جنوب آمریکای شمالی سکونت کردند از انگلیسهای دموکرات و یا آریستوکرات و یا محافظه‌کار پرتستان بودند که بتدریج استقلال سیاسی و تمدن انگلیس را در سراسر وطن جدید محرز و نافذ کرده اساس سیاست و تمدن آینده کشورهای متحده آمریکای شمالی را بر روی آن بنا نهادند.

کار مهاجرت بقاره جدید باینجا خاتمه نیافت، هر روز شماره مهاجرین بسوی این سرزمین افزوده میشد تا در سال ۱۸۴۰ شماره آن بدیونیا نفر رسید (جنک استقلال تا ۱۸۴۰ در حدود یک میلیون از ۱۸۴۰ تا ۱۸۸۰ نزدیک ده میلیون نفر از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۴ بیش از بیست و یک میلیون نفر که ۹۱۰ آن از ملل مختلفه اروپائی مابقی از نژادهای سیاه و زرد بود).

ورود اقوام و نژادهای مختلف که هر یک با عادات و اخلاق و مذهبی

جداگانه بودند ، دشواری عجیبی را برای سرنوشت آمریکا بمیان آورد ، آمار ذیل که به نسبت ۱۰۵۷۱۱۰۰۰ نفر جمعیت کشورهای متحده آمریکای شمالی در سال ۱۹۲۰ گرفته شده برای اثبات وجود این دشواری امری است واضح و مبرهن :

۸۹۲۷٪ نژاد سفید ۹۹۰٪ نژاد سیاه

از ۹۵ میلیون نژاد سفید فقط نزدیک ۵۹ میلیون در آمریکا متولد شده اند ۳۶۵ میلیون مستقیم یا غیرمستقیم اصلا خارجی هستند که ۱۳۵ میلیون در خارج از آمریکا و مابقی از پدر یا مادر خارجی بدنیآ آمده اند . در روی این اصل زمامداران آمریکا ب فکر چاره کار افتاده با قوانینی که در سالهای ۱۹۰۷ ، ۱۹۱۷ ، ۱۹۲۱ ، ۱۹۲۴ وضع کردند بستختی از مهاجرت های دسته جمعی ممانعت بعمل آوردند .

از مهاجرت جلوگیری شد ولی با آنهایی که توطن اختیار کرده خواه و نا خواه جزئی از اجزاء ملل متحده شده اند چگونه باید رفتار شود ؟ آیا برای هر قوم با هر عقیده و هر تمدن و هر نژادی که باشند باید یکسان رفتار کرد و دست آنها را در امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باز گذاشت ؟

در این میان مردمی که تمدن و روش سیاست خود را در سرزمین پهناور ممالک متحده رائج و نافذ کرده بودند خود را در تملک قطعی ذیحق دانسته سایرین را بیگانه دانسته نمیخواستند آزادی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برای عموم یکسان باشد . ناچار برای رسیدن بمقصود بوسایلی متشبت شدند که این وسایل بتدریج صورت مجامع جدی و مخفی را بخود گرفت . یکی از این مجامع سری که تا مدت ها اثرات مهمی در اوضاع اجتماعی و سیاسی ممالک متحده آمریکا نموده بود مجمع سری کوکلوکس کلان ، است که بتوسط میلیون پرستان آمریکا در مقابل مهاجرین سیاه و کاتولیک و بالاخره تمام بیگانگان ایجاد گردید . از اواخر قرن هیجدهم

حس حسادتی درمیان ساکنین اولیه آمریکا برای مردمانیکه بتدریج آمده و اقامت اختیاری کردند بظهور رسید تا اینکه در سال ۱۸۳۰ بواسطه مهاجرت جمعی کثیر از ایرلندی‌ها این موضوع پیش آمد که آیا اشخاص تازه وارد حق شرکت در انتخابات خواهند داشت یا خیر؟ در سال ۱۸۵۵ در موقعیکه مهاجرت ایرلندیها و آلمانیها بحد اکثر رسید مجمع مخفی « خاموشان » بهمنتهای فعالیت خود رسیده و با ۱۲۵۰۰۰۰ نفر عضو خود بر علیه هرگونه دخالت مهاجرین در امور و بخصوص بر ضد مذهب کاتولیک اقدامات مجدانه‌ای نمود. یک نسل از این واقعه گذشت تا اینکه مهاجرت اقوام اسلاو ولانین آغاز گردید. در سال ۱۸۸۷ نهضتی بنام « مجمع حمایت آمریکا » « Americ protective Association » بر ضد مذهب کاتولیک بظهور رسید. و این در اثر این امر پیش آمد که پاپ رئیس روحانی کاتولیک مدعی شد که چون قاره آمریکا بوسیله کریستوف کلمب که یکنفر کاتولیک بود کشف گردید بنابراین قاره مزبور در حیطه اختیار و قدرت کلیسای رم باید باشد، بدینقرار آمریکای پرستان خود را در خطر بزرگی دید. نواحی مرکزی مغرب و مشرق که بیشتر در زیر نفوذ پوری تنها بود بینهضت A.p.A که طرفداران بی شماری در میشیگان ایلینوی و ایروا و میسوری و کانساس و بزا سکا پیدا کرده بود پیوستند و همین دو مجمع است که پیشقدم مجمع « کلان » گردید منتهی در آن قسمتی که مربوط می شد بقیام ضد کاتولیک و یهود و بیگانگان.

« کوکلوکس کلان » علاوه بر این قدم بزرگی برای مخالفت با سیاهان برداشت. این مجمع در سال ۱۸۶۶ در پولاسکی (تنسی) با شرکت اعضای دو مجمع مزبور بمنظور « حفظ تفوق و برتری نژاد سفید در کشور های سیاهان » تشکیل گردید و اساس کار خود را بر روی همان روش و

طبقه بندی و مقاصد آن دو مجمع بنا نهاد. بلافاصله پس از جنگ انفصال زمانیکه «کارپت باگزر ها با سیاهان نواحی جنوبی همداستان شدند مجمع «کلان» برای مقاومت چاره‌ای جز تشبث بوسائل غیرقانونی نداشت و برای بر انداختن تسلط بیگانگان بنام عدالت و حفظ حیثیت نژاد ممتاز اعضای «کلان» قوانینی را که بنظر خود عادلانه می‌پنداشتند وضع کرده بمورد اجرا گذاشتند و چون بروحیه سیاهان نادان و خرافاتی آشنائی داشتند ازینسراه وسایلی مخفی و سری آمیخته باوهم و خرافات که در نظر آمریکائیان هم خارق العاده و شگفت انگیز بود اتخاذ کردند. اعضای «کلان» در موقع انجام مراسم با جبهه‌ای سفید که از سر تا پا را می‌پوشانید و فقط دو چشم و بینی و دهان بتوسط سوراخهایی پیدا بود ملبس می‌شدند، در موقع حرکت در پشت سر یکدیگر قرار گرفته و در تاریکی شب با مشعلهای کوچکی در دستهای ضعیف استخوانی داشتند بدون حرف حرکت میکردند، چنین هیاکلی در تاریکی شب در پرتو نور ضعیف مشعلها ترس و وحشت را در دل هر بیننده‌ای می‌انداخت، بعلاوه نامه‌های تهدید آمیز و اعلانات با عبارات موحش و شلاق زدن و زجر دادن و حتی کشتن مقصرین و گناهکاران قوت و قدرت زمامداران و پیشوایان این مجمع را ثابت داشته و ترس و بیمی خارج از حد در دلها رسوخ داده بود. در این مجمع سری طبقه بندی بحد اعلیٰ مراعات میشد. «جادوگر بزرگ» فرمانروای کل «امپراتوری نامرئی» بود، هر کشور دارای یک «فرمانروا» بود که باتفاق سه نفر دیگر بنام «کشیش بزرگ»، «ترک بزرگ» و «پاسبان بزرگ» حکومت میکرد.

مجمع «کوکلوکس کلان» که در ابتدای کار از عناصر پاك و با ایمان تشکیل شده بود طولی نکشید که مردمان پست و رذل در آن راه یافتند

و در روی همین اصل بود که مؤسسين اوليه آن ناچار شدند در سال ۱۸۶۹ مجمع را منحل نمايند. ولي افكار عمومي متوجه اين نکته بود که وجود مجمع مزبور در موقع بروز بحرانی شديد جامعه سفيد پوست را از خطر اضمحلال رهائی داده است.

پنجاه سال پس از اين واقعه از بيم بروز بحرانی جديد جنبش نوينی شبيه بنهضت «کلان» بظهور رسيد. در سال ۱۹۱۵ در شهر آتلانتا (در ژورژي) مجمع جديد «گوکلوکس کلان» تاسيس گرديد و اين بار در اثر جنگهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ روح و فکر ملی و کينه نسبت به بيگانگان باشدتی هر چه تمامتر در آن رسوخ يافته بود.

ويليام ژزف سيمون مؤسس آن يکمی از پيشوايان و مبلغين جدی مذهب پرستان «لائیک» بود. مجمع بنام انجمن پرستان هم خود را مصروف تبليغ دين مسيح و بنام انجمن سفيد پوستان بنقويت و اثبات تفوق و برتری نژاد سفيد نمود. فکر اخير بيشتتر از اينجا ناشی شد که بسياری از سياه پوستان در جنگهای در اروپا همدموش سربازان سفيد پوست جنگيده و از نظر مصالح جنگی با آنها در روی همان پایه سفيدپوستها عمل می شد و حتی از ازدواج آنها با زنهای سفيد پوست هم جلوگيري بعمل نیامد. ولي در مراجعت بهیچ قيمتی نمی بایست که سياه پوستان از موقع گذشته خود استفاده کرده و با امتيازاتی نايل آیند، مجمع «کلان» خود را مأمور انجام اين کار کرد، همین عمل نیز در باره بيگانگان کاتولیک و يهودی اجرا گرديد.

در سال ۱۹۲۰ شماره اعضای مجمع بالغ بر چندین هزار نفر شده و طرز عمل و مراسم آن بهمان قرار سابق مقرر شد و در ضمن محور اصلی آن از جنوب بجانب جنوب غربی و مغرب معطوف گرديد.

قطعنامه انجمن که بتوسط سیمون در سال ۱۹۱۵ تدوین شد و بر ذمه هر آمریکائی خالص فرض نمود شامل این اصول بود « نشر و اثبات حس وطنپرستی حقیقی ، دفاع از تقدس مرد و تقوای زن ، حفظ و نگاهداری سازمانها و حقوق و امتیازات و رسوم بوسیلهٔ بروز فعالیت زیاد » .

اصول مزبور اعضای « کلان » را اشخاص شریف جلوه گر ساخته آنها را خود بخود محق ساخت که در صورت بروز ضعف و سستی در ارکان حکومت قوانین را بمورد اجرا بگذارند .

« کوکلوکس کلان » علاوه بر نواحی جنوبی کشورهای متحده آمریکا که از سالها پیش ریشه دوانده بود در نواحی جنوب غربی در ماورا، میسیسیپی در ایالات آرکانساس، تکزاس، اکلاهما، میسوری و کانساس رخنه کرد ولی در این ایالات طرفداران آن با آنها تکیه در جنوب بودند فرق داشت بدینقرار که اینها از آمریکائیهای طبقه درم شهرهای کوچک بودند که از نسل مهاجرین آنگلو ساکسون پورترین که در قرن ۱۹ در نواحی غربی سکونت اختیار کرده اند باقی مانده بودند، در این نقاط تعصب در پرستانتیسم و آمریکائی خالص بودن بدون تغیر و بشدت باقی بود تا حال جامع علوم انسانی

« امپراتوری نامرئی » دارای حدود قطعی و ثابتی نبود بلکه مانند طوفانی تغیر جا و محل داده برای فتح سرزمینهای تازه تری در حرکت بود از سال ۱۹۲۰ علاوه بر منطقه نفوذ خود در نقاط مزبور فوق به کالیفرنیا جنوبی یعنی در « پوریتانتیسم » و از آنجا بجانب شمال غربی تا ارگون در حرکت آمده پس در امتداد دره رود میسیسیپی بالا رفته بزور در ایالات اندیانا و اهیو مستقر گردید . طولی نکشید که در نواحی مشرق در اطراف نیویورک و ماساشوست بخصوص در شهرهای کوچک غیر صنعتی که هنوز مهاجرین اولیه بدون آمیزش با بیگانگان میزیستند رخنه کرده تسلط خود را محرز گردانید .

عللی که سبب ازدیاد روزافزون اعضای انجمن « گوکلوکس » می شد بر حسب وضع جغرافیائی و مقاصدی که آن انجمن تعقیب می کرد تغییر می یافت : در جنوب برای دفاع نژاد سفید و در مغرب برای تثبیت مذهب پرتستان انگلوساکسون بر ضد کلیسای رم و یا تضعیف روح اروپائیان تازه وارد و در شمال شرقی عکس العمل بر علیه عموم بیگانگان اعم از کاتولیک یا یهودی ، ایرلندی روس یا مهاجرین اطراف مدیترانه . ولی مهمتر از همه که در تمام نقاط بدون استثنا عملی می شد مخالفت جدی بر ضد مذهب کاتولیک بود .

« آمریکن استاندار » روزنامه رسمی « کلان » که در هر پانزده روز منتشر می شد در این خصوص چنین می نویسد : « آیا می دانید که رم واشنگتون رامانند مرکز آینده قدرتش می پندارد و عموم پایست ها (کاتولیک ها) وزارت خانهای ما را اشغال کرده اند ؟ که در وزارت خارجه در واشنگتون ۶۱٪ اعضای آنرا کاتولیکهای تابع کلیسای رم تشکیل داده اند (۱۱ اکتبر ۱۹۲۵) . همین روزنامه در همین تاریخ در جای دیگر می نویسد : « کاشف آمریکا اریکسون می باشد نه کریستوف کلمب ، کلیسای رم مدعی حقوقی است که تنها متعلق بنژاد شمالی می باشد ، کشف آمریکا را در سال هزار باید مرهون اریکسون دانست »

در جواب این ادعا کاتولیکها گفتند مذهب پرتستان در سال هزار هنوز بظهور نرسیده بود بنابراین اگر هم اریکسون کاشف قاره آمریکا باشد باید در آئین کاتولیک باشد . ولی روزنامه مزبور از این پاسخ متأثر نشده چنین نوشت : « اهالی برده مدیترانه رعایای حقیر و اتیکان بوده اند ولی آزاد مردان شمالی پیوسته در دشمنی با رم بوده و دم از مخالفت با آن میزدند ، (۱۵ اکتبر ۱۹۲۵) »

در اثر این فکر مجمع سری در روزنامه رسمی خود (۱ نوامبر ۱۹۲۵) برنامه ای بقرار ذیل تدوین و از اعضای خود خواست با جدهر چه تمامتر در عملی کردن

آن بکوشند :

- ۱ - آموزش اجباری انجیل مقدس در آموزشگاههای عمومی .
- ۲ - شناسائی این امر که اصول حکومت سلطنتی رم با اصول جمهوری بروش آمریکائی باهمدیگر مغایرت دارند .
- ۳ - شناسائی باین اصل که کاتولیکهائی که هایلند سر بزیر اطاعت پادشاهی خارجی فرود آورند حق انتخاب کردن در مملکتی که در مذهب پرستان می باشد ندارند

۴ - تجدید نظر در قوانین آمریکا برای سلب حق انتخاب کردن از

سیگانگان

- ۵ - مجبور کردن ناشرین آمریکائی در استعمال زبان انگلیسی .
- ۶ - طرد یهودیانی که بر علیه اجتماعات مسیحی کار می کنند .
- ۷ - مراجعت دادن سیاهان بلوطان اصلی خود در افریقا .
- ۸ - دادن حق انتخاب کردن بکسانی که مدت چهار سال در آموزشگاههای عمومی تحصیل کرده اند .

۹ - شناختن قانون اساسی از طرف تمام ساکنین .

- ۱۰ - پذیرفتن این اصل که تمام ملت آمریکا باید تعالیم مسیح را بنجوی که در انجیل مقدس مضبوط است وجهه و سرمشق زندگانی خود قرار داده از آن سرپیچی ننمایند .

با این تعلیمات مجمع بکار تبلیغات مشغول بود ولی طولی نکشید که بتدریج اساس آن متزلزل شده و از شماره اعضای آن کاسته گردید چنانکه در سال ۱۹۲۲ در اثر تحقیقاتی که بتوسط کمیسیونی از طرف کنگره ، بعمل آمد عده ییروان کلان را در حدود صد هزار نفر در تمام آمریکای بیشتر ندانست .

علل اصلی ضعف و انحطاط بیشتر در اثر این امر بود که مجمع نتوانست بدعتها و قوانینی را که وضع میکرد بر حله عمل در آورد چنانکه زمانی در

کشورهای اکلاهوما و ژرزی زام امورسیاست بدست «کلان» افتاد ولی چون خواست آن را بمورد استفاده قرار دهد ازعهده برنیامده در نتیجه از قدرت و درجه اسرار آن کاسته شد.

قدرت و اهمیت کلان، چه در امر وضع قوانین و چه در محیط سیاست بیشتر متوجه روش اختفاو تعالیم اسرار آمیز آن بود، در سایه همین اصول بود که در سال ۱۹۲۴ در موقع انتخاب رئیس جمهور بیش از نصف دموکراتها را در اختیار داشت بعدی که جمهوریخواهان جرأت مقاومت و برابری را با اقدامات مجمع نداشتند. ولی چنانکه گذشت مدت زمانی نگذشت که از این قدرت و اهمیت بطور قابل ملاحظه‌ای کاسته گردید و بنظرمی آید که چند سالی نخواهد گذشت که اثری دیگر از مجمع سری نخواهد ماند. باین تفصیل منجمع «کوکلوکس کلان» با اصولی که از خود باقی گذاشته است ملیت و مذهب رسمی ایالات متحده آمریکا را در مقابل سیل مهاجرین بیگانه محفوظ داشته آنها از بسیاری از خطرات رهائی داده است. (۱)

(۱) اقتباس از :

Les Etats - Unis d'aujourd'hui , par A. slegfried .

